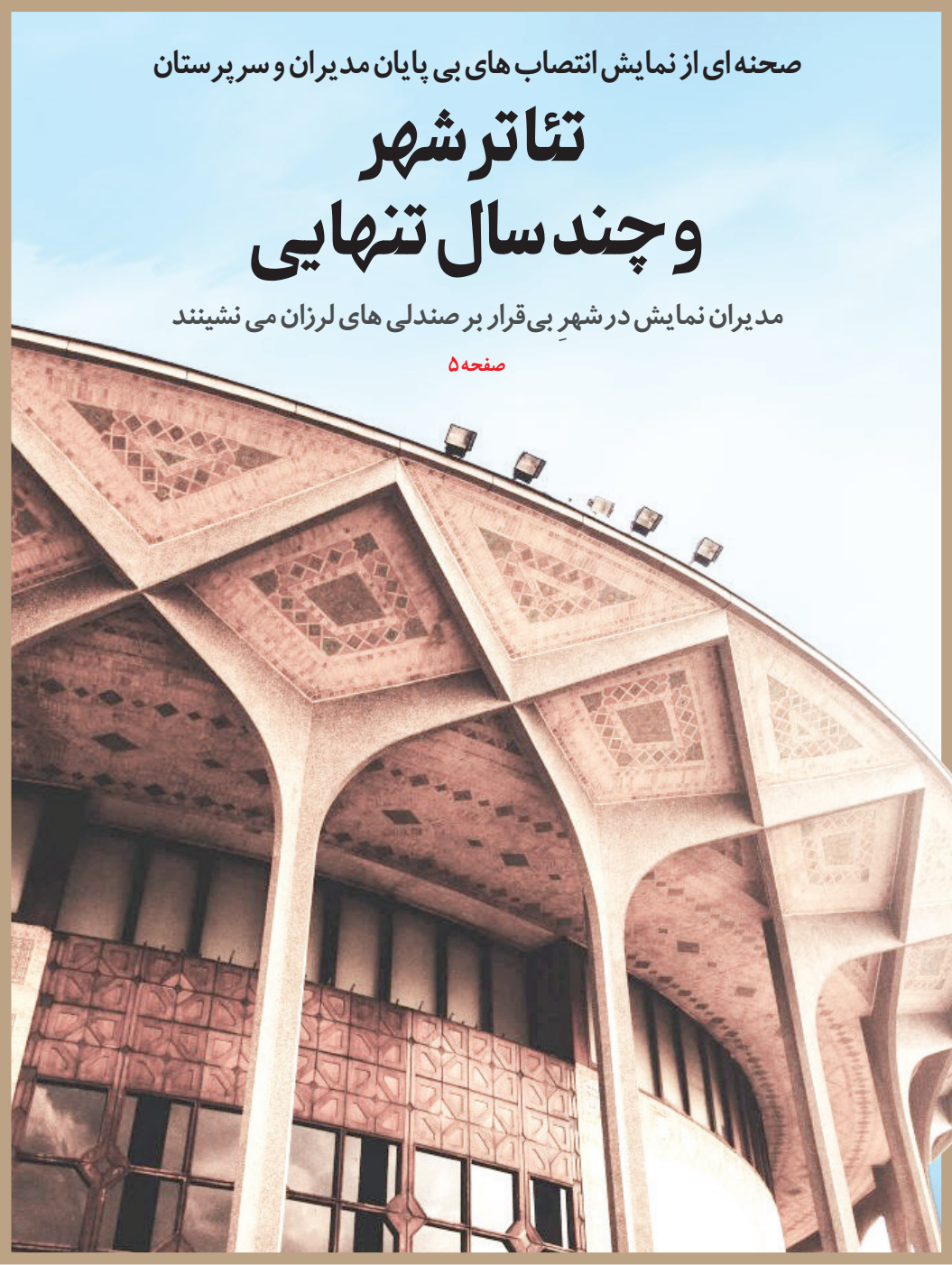




صحنه‌ای از نمایش انتصاب های بی پایان مدیران و سرپرستان

تئاتر شهر و چند سال تنهایی

مدیران نمایش در شهر بی قرار بر صندلی های لرزان می نشینند

صفحه ۵

نگاهی به وضعیت بازار لوازم آرایشی و بهداشتی
و تغییر الگوهای خرید زیر سایه تحریم ها

آرایش غلیظ

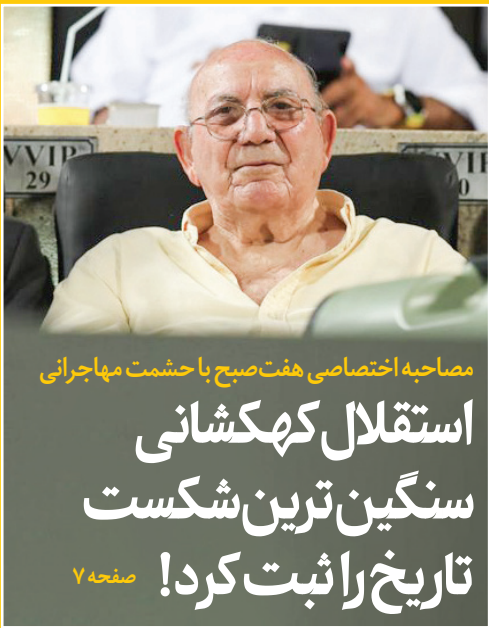
دراقتصاد بی رنگ

رکود و تحریم ها نتوانستند از مصرف لوازم آرایشی بکاهند
بازار همچنان پرتقاضا و وابسته به واردات آسیایی است

بازار لوازم آرایشی و بهداشتی در ایران طی سال های اخیر به یکی از پرمصرف ترین و پویاترین حوزه های اقتصادی و فرهنگی کشور تبدیل شده است. با وجود چالش های اقتصادی، تحریم ها و محدودیت های وارداتی، مصرف این محصولات نه تنها کاهش نیافته بلکه در برخی بخش ها با تغییر الگوی رفتاری، رشد نیز داشته است. برآوردها نشان می دهد که حدود ۴.۵ درصد از هزینه های خانوار ایرانی صرف خرید لوازم آرایشی و بهداشتی می شود؛ رقمی که از میانگین جهانی (حدود ۲.۶ درصد) به مراتب بالاتر است و ایران را پس از عربستان، در جایگاه دوم مصرف کنندگان عمده این محصولات در منطقه قرار می دهد...



صفحه ۲



تأثیر هزینه های سرسام آور درمان

بر خانوار ایرانی و پیامدهای آن

غم نان یا غم جان

حکایت بیمه های ناتوان و بیمارانی که در مان را

به امید بهبودی رها می کنند

صفحه ۶

نزاع دولت و مجلس و سردرگمی مصرف کننده

میان انحصار و حسرت

بازار خودرو پشت چراغ قرمز

آشفته تجاری در صنعت خودرو

زندگی میلیون ها نفر را تحت تأثیر قرار داده است

صفحه ۲

شکوهی که در غبار فراموشی نشسته است

تخت سلیمان؛ میراث جهانی در محاصره نمایش وبی عملی

همین صفحه



گزارش ۲

از کشف ۳۰۰ هزار ماینر غیر مجاز تا پنجمین سال خشکسالی تهران

سدهای خالی از آب؛ ماینرهای تشنه برق

همزمانی بحران آب و برق، ضرورت اصلاح الگوی مصرف و سرمایه گذاری پایدار را برجسته کرده است

زمانی که اصلاح الگوی مصرف و آموزش عمومی در دستور کار نباشد، مقابله صرف با فعالیت های غیرقانونی پاسخ کافی به بحران نخواهد داد.

پنج سال خشکسالی در تهران

همزمان با بحران برق، آب نیز به نقطه ای حساس رسیده است. محسن اردکانی، مدیرعامل آب و فاضلاب استان تهران، اعلام کرده این استان در آستانه پنجمین سال خشکسالی متوالی قرار دارد؛ رخدادی بی سابقه در یک قرن اخیر. میزان بارش سال گذشته تنها ۱۵۸ میلی متر بوده که ۴۱ درصد کمتر از سال قبل و ۳۹ درصد کمتر از میانگین درازمدت است.

کارشناسان پیش بینی می کنند سد ماملو که بخشی از آب جنوب شرق استان تهران را تأمین می کند تا پایان مرداد خالی شود. اما با فعال سازی ۵۸ حلقه چاه در شهرستان های ورامین، پیشوا و قرچک و همچنین صرفه جویی ۱۰ درصدی مردم، این بحران مدیریت شد.

در سطح ملی، وضعیت سدها همچنان نگران کننده است. تانیمه شهریور، ورودی آب به مخازن نسبت به سال گذشته ۴۲ درصد کاهش یافته و حجم آب موجود در مخازن نیز ۲۵ درصد کمتر شده است. پرشدگی سدها تنها ۳۸ درصد گزارش شده و در ۱۳ سد مهم کشور این عدد به کمتر از ۱۰ درصد رسیده است؛ از جمله سد لار در تهران، سد سفیدرود در گیلان و سد ساوه در مرکزی. این اعداد نشان می دهد منابع آبی کشور به مرز هشدار نزدیک شده اند و نیاز به مدیریت فوری دارند.

مدیریت مصرف از برق تا آب

وزارت نیرو تأکید دارد که هر اقدام ممکن برای مدیریت منابع انجام شده است، اما آینده همچنان وابسته به همراهی مردم است. در حوزه آب، سیاست های صرفه جویی در بخش کشاورزی و خانگی در حال اجراست و کارشناسان می گویند بدون تغییر الگوی مصرف، حتی اقدامات فنی نیز کارساز نخواهد بود.

در حوزه برق، هوشمندسازی کنتورها و محدود کردن مشترکان بر مصرف بخشی از راهکارها بوده است. با این حال، تحلیلگران بر این باورند که راه حل پایدار تنها از مسیر اصلاح قیمت ها، سرمایه گذاری در انرژی های تجدیدپذیر و قانونمند کردن استخراج رمزارز می گذرد.

تجربه همزمان خاموشی های برق و خشکسالی های گسترده پیام روشنی دارد. امنیت ملی در گرو امنیت انرژی و آب است. اگر ناترازی ها ادامه یابد، اقتصاد کشور نه تنها در سطح تولید، بلکه در زندگی روزمره مردم نیز آسیب خواهد دید. بدون تغییر سیاست های کلان و مشارکت اجتماعی، تابستان ها گرم تر و زمستان ها خشک تر خواهد شد و بار این ناترازی ها بیش از همه بر دوش مردم عادی خواهد افتاد.

نظارت های یک بام و دو هوا

نهادهای نظارتی با چنان سرعتی عمل می کنند که «نگشت حیرت بر دهان» مردم می ماند. کوچک ترین تجمع یا حتی یک پیام در شبکه های اجتماعی، گاه ظرف چند ساعت به پرونده ای قضایی بدل می شود و پیگیری ها تا سطوح بالا ادامه پیدا می کند. اما همین دستگاه ها در برابر پدیده ای چون استخراج غیرقانونی رمزارز که مستقیماً به اقتصاد ملی و امنیت انرژی مربوط است، چنان کند و محتاط اند که گویی پای موضوعی حاشیه ای در میان است.

این کندی دیگر بهانه ای در تکنیک فناوری ندارد. امروز ابزارهای هوشمند مصرف انرژی به سادگی می توانند مصرف های غیرعادی برق را تشخیص دهند؛ حتی امکان ردیابی کسانی که برق دزدی می کنند فراهم است. با این حال، مراکز ماینینگ غیرمجاز اغلب ماه ها و سال ها به کار خود ادامه می دهند و تنها گاه در قالب خبرهای پراکنده از کشف «فلان مزرعه بزرگ استخراج» چیزی به گوش مردم می رسد.

واقعیت این است که بخش بزرگی از این مراکز وابسته به نهادها یا گروه هایی اند که از حمایت های آشکار یا پنهان برخوردارند. به یاد بیاوریم که چند سال پیش خبر کشف دستگاه های ماینینگ در زیرزمین سازمان بورس اوراق بهادار منتشر شد؛ اما هیچ گاه افکار عمومی نفهمید پرونده آن به کجا رسید. آن ماجرا تنها یک نمونه بود از «هشت نمونه خروار». وقتی دستگاه های نظارتی چنین پرونده هایی را مسکوت می گذارند، جامعه حق دارد پرسد چرا توازن در اجرای قانون رعایت نمی شود و چرا شفافیت در جایی که پای منافع ملی در میان است، رنگ می بازد.

خاموشی ها و اثرات اجتماعی

خاموشی های ناگهانی در تابستان گذشته بسیاری از خانوارها و کسب و کارها را با مشکل مواجه کرد. برای خانواده های شهری، ساعات طولانی بدون کولر یا یخچال معنایی جز دشواری زندگی روزمره نداشت و برای مغازه داران و واحدهای خدماتی، به معنای از دست دادن مشتری و درآمد بود.

اخبار مربوط به کشف هزاران ماینر غیرمجاز این حس عمومی را تقویت کرده است که مردم عادی هزینه فعالیت های غیرقانونی عدهای محدود را می پردازند. از منظر اجتماعی، این پدیده به وضعیتی منجر شد که می توان آن را ایجاد حس نابرابری تعبیر کرد؛ یعنی زمانی که شهروندان باور می کنند قواعد بازی یکسان نیست و حقوق آنان قربانی سود دیگران شده است.

از منظر فرهنگی نیز مسئله مصرف بی رویه انرژی برجسته است. سال ها برق در ایران کالایی ارزان تلقی شده و فرهنگ صرفه جویی کمتر نهادینه شده است. ماینر ها بر همین بستر رشد کرده اند تا با استفاده حداکثری از منبعی که ارزش واقعی آن درک نشده است به سودهای کلان دست یابند. کارشناسان هشدار می دهند تا

پوریا محسن زاده

هفت صبح

کشور در حالی با موج تازه ای از بحران های انرژی دست و پنجه نرم می کند که همزمان دو جبهه حساس آب و برق زیر فشار بی سابقه قرار گرفته اند. از یک سو، سردار حسین رحیمی رئیس پلیس امنیت اقتصادی با اشاره به ناترازی شدید در ساختار برق اعلام کرده تنها در پنج ماه نخست سال جاری بیش از ۳۶ هزار دستگاه ماینر کشف شده است؛ تجهیزاتی که مصرف برقشان معادل نیاز هزاران خانوار است. آمارهای شرکت توانیر نیز نشان می دهد تاکنون حدود ۳۰۰ هزار دستگاه غیرمجاز استخراج رمزارز در کشور شناسایی شده و مصرف برق معادل ۲۵۰۰ مگاوات را به خود اختصاص داده اند؛ در شرایطی که مردم ناچارند ساعات خاموشی را تحمل کنند. از سوی دیگر، در جبهه آب نیز نشانه های هشدار دهنده ای دیده می شود. محسن اردکانی مدیرعامل آب و فاضلاب تهران اعلام کرده این استان در آستانه پشت سر گذاشتن پنجمین سال خشکسالی قرار دارد؛ وضعیتی که با کاهش ۴۲ درصدی ورودی سدهای کشور نسبت به سال گذشته و کاهش ۲۵ درصدی حجم آب مخازن همراه بوده است. برخی سدهای مهم همچون لار و سفیدرود کمتر از ۱۰ درصد پرشدگی دارند. این همزمانی بحران آب و برق، تصویری روشن از شکنندگی زیرساخت های حیاتی کشور و ضرورت مدیریت دقیق مصرف و سرمایه گذاری پایدار در منابع انرژی و آب را ترسیم می کند.

ماینرهایی که برق را می بلعند

طبق اعلام سردار حسین رحیمی، پلیس امنیت اقتصادی طی پنج ماه اخیر ۱۳۷۳ پرونده مرتبط با استخراج غیرمجاز رمزارز تشکیل داده و ۳۶ هزار دستگاه ماینر را توقیف کرده است. تنها در یکی از عملیات ها در استان شرقی کشور، بیش از ۲۴ هزار دستگاه کشف شد؛ تجهیزاتی که اگر فعال بودند، معادل نیاز یک شهرستان متوسط برق مصرف می کردند. مدیرعامل توانیر، صطفی رحبی مشهدی، می گوید تاکنون ۳۰۰ هزار دستگاه غیرمجاز شناسایی شده و بر اساس برآوردها، حدود ۲۵۰۰ مگاوات از برق کشور به مصرف این دستگاه ها می رسد. در شرایطی که اوج بار مصرفی برق کشور به ۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات رسید، سهم ماینر ها معادل سه درصد کل مصرف است؛ سهمی که به معنای خاموشی های بیشتر برای مردم عادی است. از منظر اقتصادی، قیمت هر کیلووات ساعت برق در بورس انرژی به بیش از ۷ هزار تومان رسیده. در حالی که فعالان زیرزمینی عملاً برق رایانه ای را رایگان مصرف می کنند. این شکاف قیمتی، انگیزه ای قدرتمند برای ادامه فعالیت غیرقانونی ماینینگ ایجاد کرده است. به گفته توانیر، تنها از رهگذر جمع آوری ماینر های غیرمجاز حدود ۱۰۰۰ مگاوات کاهش مصرف حاصل شده است، اما کارشناسان تأکید می کنند که این روند تنها با اصلاح سیاست های قیمتی و توسعه انرژی های تجدیدپذیر قابل کنترل است.

گزارش ۱

شکوهی که در غبار فراموشی نشسته است

تخت سلیمان؛ میراث جهانی

در محاصره نمایش وبی عملی

محمد عبدالعلی پور
هفت صبح

در دامنه های کوهستانی تکاب، جایی که آسمان به زمین نزدیک تر به نظر می رسد، مجموعه ای تاریخی همچون حلقه ای از تاریخ و اسطوره بر زمین نشسته است؛ تخت سلیمان.

آتشکده آذرگشنسب، دریاچه ای را آلود و دیوارهایی که هزار و پانصد سال ایستادگی کرده اند، اینجا را نه فقط برای ایران بلکه برای تمام جهان به میراثی بی بدیل بدل کرده اند. سال ۱۳۸۲ یونسکو نام تخت سلیمان را در فهرست جهانی خود ثبت کرد؛ افتخاری که می توانست سرآغاز حفاظت و بهرهمندی درست باشد. اما دو دهه پس از آن، این اثر جهانی بیش از آنکه تکیه گاه افتخار باشد، آینه ای از سوءمدیریت و بی برنامه گی میراث فرهنگی شده است. زمین زیر پای تخت سلیمان لرزان است. منطقه روی کمر بند زلزله قرار دارد و دیوارهای خستنی و سنگی مجموعه، هیچ مقوامتی در برابر کوچک ترین لرزش ندارند. ترک هایی که روزی فقط خطی باریک بر دیوار بودند، امروز دهانی گشوده اند که فردا شاید فرو بریزند. اما نه زلزله و نه باران های اسیدی و یخ بندان زمستانی، تهدید اصلی نیستند؛ خطر بزرگ تر، بی اعتنایی مدیرانی است که حتی ساده ترین برنامه های پایش روزانه را اجرا نمی کنند. هیچ سامانه منظمی برای رصد پدیده دریاچه جوشان مرکزی این مجموعه وجود ندارد. تخت سلیمان باید با مسیرهای مشخص، تابلوهای راهنما و امکانات پایه، گردشگری پایدار را تجربه می کرد. اما امروز ورود هزاران گردشگر به محوطه بیشتر شبیه هجوم است تا زیارت فرهنگی. مسیرها فرسوده، دیوارها زخمی و زباله ها در گوشه و کنار رها شده اند. صدای پای بازدیدکنندگان روی خاک شکننده، یادآور آن است که وزارت میراث به جای مدیریت، تنها به فروش بلیت دل خوش کرده است. چشم انداز فرهنگی اطراف نیز با ساخت وسازهای بی ضابطه و روستا خدشدار شده و هیچ سیاستی برای کنترل آن دیده نمی شود.

مرمت های سیمانی و مدیرانی که

به نمایش دل بسته اند

قصه مرمت تخت سلیمان، روایتی غم انگیز است. آنچه در دو دهه گذشته به نام «بازپیرایی» انجام شد، اغلب چیزی جز لکه گیری های سطحی با مصالح نامتناسب نبوده است. سیمان جای ملات های سنتی را گرفته

دیپلماسی ایرانی در تنگنای زمان

سفر پزشکيان به نيويورک فقط زمانی می تواند نقطه عطفی ایجاد کند که با مجموعه‌ای از پیش شرط‌ها، اختیارات و ابتکارهای عملی همراه باشد

حسین قاضی
هفت صبح

در فاصله کمتر از یک هفته تا بازگشت احتمالی قطعه‌نامه‌های شورای امنیت، توجه دیپلماتیک و رسانه‌ای به سفر رئیس‌جمهور پزشک‌یان به نیویورک دوخته شده است. این سفر در شرایطی صورت می‌گیرد که شورای امنیت سازمان ملل در جلسه اخیر خود، پیش‌نویس قطعه‌نامه‌ای برای تداوم لغو تحریم‌ها علیه ایران را تصویب نکرد و در نتیجه در صورت عدم اتخاذ تصمیمی تازه، بازگشت تحریم‌ها و فعال شدن دوباره مکانیزم اسنپ‌بک به واقعیتی قریب‌الوقوع تبدیل می‌شود. ایران سرزمینی کهن با نمادی همچون منشور کوروش که امروزه به عنوان اولین سند حقوق بشری از آن یاد می‌شود و قدمت سیاست‌ورزی در ایران را آشکارا به نمایش می‌گذارد امروز می‌کوشد به عنوان عضوی در جامعه ملل از قرار گرفتن زیر فصل هفتم منشور ملل متحد بگریزد.

امیرسعدی ايرواني، نماینده ایران در سازمان ملل پس از نشست روز جمعه شورای امنیت تأکید کرد که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور پزشک‌یان و عباس عراقچی، وزیر خارجه در جریان سفر به نیویورک با همتایان اروپایی خود دیدار خواهند داشت و ارائه امتیازات به روند مذاکرات بستگی دارد. ایران اعلام کرده است که برای دیپلماسی آمادگی کامل دارد، اما هیچ پیش‌شرطی را در این مرحله نمی‌پذیرد. به باور ناظران هدف اصلی سفر رئیس‌جمهور به سازمان ملل باید کسب حداقل دستاورد، یعنی تمدید شش‌ماهه مکانیزم اسنپ‌بک و جلوگیری از بازگشت تحریم‌ها باشد، در حالی که موفقیت کامل، شامل رسیدن به توافق جامع، به دلیل محدودیت زمانی و ظرفیت دیپلماتیک نماینده فعلی، بعید به نظر می‌رسد.

یک تصمیم برای تغییر معادلات

در جلسه شنبه‌شب شورای عالی امنیت ملی تصمیم گرفته شد که با وجود ادامه همکاری‌های وزارت امور خارجه با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اقدامات کشور‌های اروپایی مسیر این همکاری‌ها را عملاً به حالت تعلیق در خواهد آورد. این تصمیم در پی عدم تصویب پیش‌نویس قطعه‌نامه کره جنوبی برای تداوم لغو تحریم‌ها و بازگشت فشارها علیه ایران اتخاذ شده است و نشان‌دهنده حساسیت بالای تهران نسبت به فعال شدن مجدد مکانیزم اسنپ‌بک و فشارهای بین‌المللی است.

این اقدام تهران در استناد سفر رئیس‌جمهور به سازمان ملل، می‌تواند معادلات دیپلماتیک را بیش از پیش پیچیده کند. از یک سو، توقف موقت همکاری ایران با آژانس یک سیگنال سیاسی به طرف‌های اروپایی و آمریکا تلقی می‌شود و می‌تواند توان چانه‌زنی ایران را در مذاکرات آتی افزایش دهد. از سوی دیگر، تبعات و ریسک‌های قابل توجهی دارد و می‌تواند زمینه‌افزایش تنش‌ها و اقدامات تلاقی‌جویانه غربی‌ها را فراهم کند.

ناظران معتقدند که تصمیم شورای عالی امنیت ملی بخشی از استراتژی تهران برای تقویت موقعیت دیپلماتیک خود در مذاکرات آتی است، اما هم‌زمان، مدیریت این اقدام نیازمند دقت و هماهنگی کامل با تیم دیپلماتیک است تا تعلیق همکاری با آژانس، به جای ابزار فشار، به چالشی فراتر از کنترل تبدیل نشود.

تهران و آب‌باریکه دیپلماسی

سه کشور اروپایی حاضر در برجام با استفاده از ابزار حل اختلاف و فعال کردن مکانیزم اسنپ‌بک، عملاً تحریم‌ها را تشدید کرده‌اند و این موضوع نگرانی‌های ایران و دیگر پایتخت‌های منطقه‌ای را افزایش داده است. تحلیلگران معتقدند که حفظ راه باریکه دیپلماسی باقی‌مانده، حتی اگر محدود باشد، می‌تواند از طریق مذاکرات مستقیم با اروپا و تأکید بر تعهد ایران به NPT و شفافیّت به‌ترتیب هسته‌ای، فضای برای کاهش تنش و تعلیق تهدیدات ایجاد کند. رویکرد منطقی و واقع‌بینانه جمهوری اسلامی ایران، به ویژه پس از تفاهم اخیر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره، می‌تواند ابزار موثری برای تقویت جایگاه تهران در هرگونه مذاکره و تعامل بین‌المللی باشد.

سفر پزشک‌یان به نیویورک با هدف شکستن سکون دیپلماتیک و ایجاد امکان ادامه مذاکرات، نه به عنوان راه حل نهایی بلکه به عنوان نقطه شروع برای تحركات ویژه‌ای یافته است. این اقدام می‌تواند در کوتاه‌مدت زمینه تمدید شش‌ماهه مکانیزم اسنپ‌بک را فراهم کند و در میان‌مدت، شانس ایران برای رسیدن به توافق جامع و پایدار را تقویت نماید.

پزشک‌یان به نیویورک نمادین خواهد بود
پیرو آنچه گفته شد محسن جلیلود در گفت‌وگو با «هفت صبح» با تبیین شرایط فعلی و تشریح محدودیت‌ها و فرصت‌های پیش‌روی دیپلماسی ایران، معتقد است که «این سفر اگرچه می‌تواند به‌عنوان نقطه عطف تلقی شود،

اما موفقیت آن منوط به مجموعه‌ای از پیش‌شرط‌ها، اختیارات و ابتکارهای عملی است که باید با نگاه واقع‌بینانه و نه صرفاً شعاری دنبال شود.

به باور کارشناس مسائل بین‌الملل، «یکی از نخستین مسائل در چنین مقاطعی تعیین اختیارات دقیق هیئت ایرانی است.» او توضیح می‌دهد که «در مذاکرات بین‌المللی، اختیارات مذاکره‌کنندگان از پیش و به‌طور مکتوب مشخص می‌شود. این‌طور نیست که وزیر امور خارجه یا حتی رئیس‌جمهور در حین مذاکره بدون محدوده تصمیم‌گیری عمل کنند. برای نمونه، در دوره‌های پیشین، دیپلمات‌های ایرانی پیش از عزیمت به هر نشست بین‌المللی، حدود اختیارات خود را از مقامات عالی‌کُشور دریافت می‌کردند و دقیقاً مشخص بود که چه توافقاتی را می‌توانند امضا کنند و کجا باید صرفاً شنونده باشند. به همین دلیل، اگر پزشک‌یان در سفر به نیویورک بدون چنین اختیاراتی حاضر شود، عمل‌انتظار تحول جدی از این سفر دور از واقعیت خواهد بود.»

مفسر حوزه سیاست خارجی همچنین تأکید می‌کند که «زمان اندک باقی‌مانده تا فعال شدن مکانیزم بازگشت تحریم‌ها شرایط را بغرنج‌تر کرده است.» به گفته او، «ایده مطرح شده بود، امروز دیگر نمی‌تواند به‌عنوان راه‌حلی موثر مطرح شود؛ زیرا طرف‌های غربی به‌ویژه اروپا و آمریکا، به دنبال تضمین‌های جدی‌تری هستند.» از نگاه جلیلود، «غربی‌ها به‌خوبی می‌دانند که با گذر زمان و فعال شدن کامل بندهای قطعه‌نامه ۲۳۲۱، دست ایران در مذاکرات خالی‌تر خواهد شد و همین مسئله موقعیت تهران را در معادلات سیاسی تضعیف می‌کند. لذا تمایلی به طرح «توقف در برابر توقف» ندارند.»

به اعتقاد تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل، «مسئله موشکی ایران و حضور منطقه‌ای کشور نیز یکی از نقاط اصلی اختلاف با غرب و اسرائیل باقی‌مانده است.» و در همین رابطه، او یادآور می‌شود، «تا زمانی که ایران بر حفظ توان بازدارندگی موشکی و حمایت از جریان‌های مقاومت در منطقه تأکید دارد، نه واشنگتن و نه تل‌آویو حاضر به کاهش فشارها نخواهند بود. این شرایط به‌ویژه پس از هرگونه فعال‌سازی مکانیزم اسنپ‌بک می‌تواند به افزایش حضور و فشار اسرائیل در فضای بین‌المللی علیه ایران منجر شود، چه بسا که این رژیم در همین نشست‌های سازمان ملل نیز برای تحت فشار قرار دادن تهران تلاش کند.»

در بخش دیگری از تحلیل، مفسر حوزه سیاست خارجی به موضوع اختلافات درونی غرب نیز اشاره کرده و می‌گوید که، «هرچند در ظاهر گفته از اختلاف میان کشور‌های اروپایی و آمریکا سخن گفته می‌شود، اما در عمل، وقتی پای مسئله ایران در میان باشد، اجماع نهایی آنها علیه تهران شکل خواهد گرفت.» در راستای این برداشت، جلیلود یادآور می‌شود که «تجزیه‌گشته نشان داده است در بزنگاه‌های حساس، حتی کشورهایی که در ظاهر مواضع ملایم‌تری دارند، در پشت پرده با سیاست‌های سخنگیرانه علیه ایران همراه می‌شوند.» به باور کارشناس مسائل برجامی «در چنین شرایطی اگر جمهوری اسلامی بتواند حداقل شش ماه تمدید در روند بازگشت تحریم‌ها ایجاد کند، این خود می‌تواند یک دستاورد تلقی شود. اما رسیدن به همین هدف حداقلی نیز نیازمند طرح ابتکارات جدید و ارائه تضمین‌های قابل‌اتکا به طرف‌های مقابل است.»

این کارشناس با اشاره به پیشنهادات متعدد مطرح‌شده از سوی برخی مقامات ایرانی معتقد است «این پیشنهادها تاکنون نتوانسته اجماع لازم در شورای امنیت را ایجاد کند. در واقع، طرف‌های غربی به دنبال تعهدات روشن و عملی از سوی تهران هستند و صرف بیان کلیات یا پیشنهادهای تکراری نمی‌تواند مانع از بازگشت قطعه‌نامه‌ها شود.» به باور جلیلود، «فعال شدن مکانیزم ماشه صرفاً به معنای بازگشت تحریم‌های اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند پیامدهای سیاسی و امنیتی گسترده‌تری نیز به همراه داشته باشد.» او هشدار می‌دهد که «با اجرایی شدن کامل این قطعه‌نامه‌ها، اسرائیل و حتی برخی کشور‌های منطقه ممکن است جسورتر شده و برای افزایش فشارها یا حتی اقدامات تحریک‌آمیز علیه ایران تلاش کنند. این همان سناریویی است که می‌تواند وضعیت را از یک بحران دیپلماتیک به یک چالش امنیتی تمام‌عیار تبدیل کند.»

در بخش پایانی، مفسر حوزه سیاست خارجی تأکید دارد که، «ایران برای عبور از این شرایط نیازمند یک استراتژی چندلایه است؛ استراتژی‌ای که هم‌زمان بر حفظ توان بازدارندگی، ارائه طرح‌های عملی در حوزه دیپلماسی و ایجاد اجماع حداقلی در سطح بین‌الملل استوار باشد.» او یادآور می‌شود

از آیش خاتون شیرازی تا اسکندر مقدونی

وقتی دیپلماسی دروازه‌های ویرانی را می‌بندد

در قرن هفتم هجری، آیش خاتون، تنها فرمانروای زن شیراز و یکی از برجسته‌ترین چهره‌های تاریخ ایران، با درایت و دیپلماسی خود، این شهر را از هجوم ویرانگر مغول‌ها در امان نگه داشت. او که همسر منگو تیمور، پسر یازدهم هلاکوخان مغول بود، به مدت ۲۲ سال بر فارس حکومت کرد و به نامش سکه ضرب شد. آیش خاتون با انتخاب وزیرانی کارآمد مانند خواجه نظام‌الدین و مدیریت هوشمندانه روابط با ایلخانان مغول، شیراز را به پناهگاهی امن برای هنرمندان و فرهنگیان تبدیل کرد که نتیجه‌اش شکوفایی مکتب هنری شیراز بود.

در سوی دیگر تاریخ، پادشاه چین در مواجهه با اسکندر مقدونی، با مذاکره‌ای خردمندانه نه تنها سرزمینش را از تخریب نجات داد، بلکه با نمایش اقتدار نظامی و درایت سیاسی، اسکندر را وادار به عقب‌نشینی کرد. بی‌آنکه باج‌وخراجی بپردازد، او با شجاعت و زیرکی، مذاکره را به ابزاری برای حفظ عزت کشورش بدل کرد. این دو روایت تاریخی، هرچند در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت رخ داده‌اند، یک حقیقت مشترک را فریاد می‌زند که دیپلماسی، حتی برابر دشمن، می‌تواند به دنبال تضمین‌های جدی‌تری هستند. از نگاه جلیلود، «غربی‌ها به‌خوبی می‌دانند که با گذر زمان و فعال شدن کامل بندهای قطعه‌نامه ۲۳۲۱، دست ایران در مذاکرات خالی‌تر خواهد شد و همین مسئله موقعیت تهران را در معادلات سیاسی تضعیف می‌کند. لذا تمایلی به طرح «توقف در برابر توقف» ندارند.»

به اعتقاد تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل، «مسئله موشکی ایران و حضور منطقه‌ای کشور نیز یکی از نقاط اصلی اختلاف با غرب و اسرائیل باقی‌مانده است.» و در همین رابطه، او یادآور می‌شود، «تا زمانی که ایران بر حفظ توان بازدارندگی موشکی و حمایت از جریان‌های مقاومت در منطقه تأکید دارد، نه واشنگتن و نه تل‌آویو حاضر به کاهش فشارها نخواهند بود. این شرایط به‌ویژه پس از هرگونه فعال‌سازی مکانیزم اسنپ‌بک می‌تواند به افزایش حضور و فشار اسرائیل در فضای بین‌المللی علیه ایران منجر شود، چه بسا که این رژیم در همین نشست‌های سازمان ملل نیز برای تحت فشار قرار دادن تهران تلاش کند.»

در بخش دیگری از تحلیل، مفسر حوزه سیاست خارجی به موضوع اختلافات درونی غرب نیز اشاره کرده و می‌گوید که، «هرچند در ظاهر گفته از اختلاف میان کشور‌های اروپایی و آمریکا سخن گفته می‌شود، اما در عمل، وقتی پای مسئله ایران در میان باشد، اجماع نهایی آنها علیه تهران شکل خواهد گرفت.» در راستای این برداشت، جلیلود یادآور می‌شود که «تجزیه‌گشته نشان داده است در بزنگاه‌های حساس، حتی کشورهایی که در ظاهر مواضع ملایم‌تری دارند، در پشت پرده با سیاست‌های سخنگیرانه علیه ایران همراه می‌شوند.» به باور کارشناس مسائل برجامی «در چنین شرایطی اگر جمهوری اسلامی بتواند حداقل شش ماه تمدید در روند بازگشت تحریم‌ها ایجاد کند، این خود می‌تواند یک دستاورد تلقی شود. اما رسیدن به همین هدف حداقلی نیز نیازمند طرح ابتکارات جدید و ارائه تضمین‌های قابل‌اتکا به طرف‌های مقابل است.»

این کارشناس با اشاره به پیشنهادات متعدد مطرح‌شده از سوی برخی مقامات ایرانی معتقد است «این پیشنهادها تاکنون نتوانسته اجماع لازم در شورای امنیت را ایجاد کند. در واقع، طرف‌های غربی به دنبال تعهدات روشن و عملی از سوی تهران هستند و صرف بیان کلیات یا پیشنهادهای تکراری نمی‌تواند مانع از بازگشت قطعه‌نامه‌ها شود.» به باور جلیلود، «فعال شدن مکانیزم ماشه صرفاً به معنای بازگشت تحریم‌های اقتصادی نیست، بلکه می‌تواند پیامدهای سیاسی و امنیتی گسترده‌تری نیز به همراه داشته باشد.» او هشدار می‌دهد که «با اجرایی شدن کامل این قطعه‌نامه‌ها، اسرائیل و حتی برخی کشور‌های منطقه ممکن است جسورتر شده و برای افزایش فشارها یا حتی اقدامات تحریک‌آمیز علیه ایران تلاش کنند. این همان سناریویی است که می‌تواند وضعیت را از یک بحران دیپلماتیک به یک چالش امنیتی تمام‌عیار تبدیل کند.»

در بخش پایانی، مفسر حوزه سیاست خارجی تأکید دارد که، «ایران برای عبور از این شرایط نیازمند یک استراتژی چندلایه است؛ استراتژی‌ای که هم‌زمان بر حفظ توان بازدارندگی، ارائه طرح‌های عملی در حوزه دیپلماسی و ایجاد اجماع حداقلی در سطح بین‌الملل استوار باشد.» او یادآور می‌شود

که «انفال یا تداوم سیاست‌های صرفاً شعاری، تنها زمان را به نفع طرف مقابل خواهد خرید و تهران را در موضع انفعالی‌تری قرار خواهد داد.»

به اعتقاد این کارشناس مسائل اروپا، سفر پزشک‌یان به نیویورک می‌تواند فرصتی برای آغاز یک مسیر جدید باشد؛ مسیری که اگر با برنامه‌ریزی دقیق، اختیارات روشن و ابتکارهای دیپلماتیک همراه شود، شاید بتواند دست‌کم بخشی از فشارهای موجود را کاهش دهد و فرصتی تازه برای گفت‌وگو و تعامل ایجاد کند. اما اگر این سفر بدون دستور کار عملی، بدون هماهنگی در سطوح عالی تصمیم‌گیری و بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های میدانی انجام شود، به‌سختی می‌توان انتظار داشت که نتیجه‌ای فراتر از تکرار مواضع گذشته و صدور بیانیه‌های نمادین به همراه داشته باشد.

در نهایت، این تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل معتقد است که ایران امروز در نقطه‌ای ایستاده که هرگونه تصمیم‌گیری شتاب‌زده یا واکنش احساسی می‌تواند پیامدهای سنگینی به دنبال داشته باشد. از این‌رو، بهره‌گیری از ظرفیت‌های باقی‌مانده دیپلماسی، ایجاد اجماع حداقلی در سطح جهانی و حرکت به‌سوی توافقات عملی، نه یک انتخاب بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای عبور از این پیچ تاریخی است.

سیدجلال ساداتیان: تنها راه فعلی تهران برای خروج از بحران اسنپ‌بک، معرفی یک دیپلمات کارکنشسته به عنوان مذاکره‌کننده ارشد ایران با اختیارات کامل است

سیدجلال ساداتیان هم دیگر کارشناسی بود که در گپ و گفتش با «هفت صبح» از زاویه‌ای کاملاً متفاوت با جلیلود به موضوع سفر پزشک‌یان به نیویورک ورود کرده و با نگاه تحلیلی و با تجربه‌ای که از سال‌ها فعالیت در حوزه سیاست خارجی و دیپلماسی در کارنامه دارد، فضای بغرنج و حساس این روزهای ایران را در آستانه بازگشت احتمالی تحریم‌ها و قطعه‌نامه‌های شورای امنیت تشریح می‌کند. او در همان ابتدا تأکید دارد که «در شرایط کنونی، تنها مسیر قابل‌اتکا برای پیشبرد مذاکرات و مدیریت بحران بازگشت قطعه‌نامه‌های شورای امنیت، معرفی یک دیپلمات کارکنشسته به عنوان مذاکره‌کننده ارشد ایران با اختیارات کامل است.» به باور سفیر اسبق ایران در انگلستان، «سفر پزشک‌یان به نیویورک در فاصله کمتر از یک هفته تا بازگشت تحریم‌ها و قطعه‌نامه‌ها، اگرچه می‌تواند دستاورد‌هایی نسبی ایجاد کند، اما محدودیت‌های زمانی و قابلیت‌های دیپلماتیک نماینده فعلی، امکان دستیابی به موفقیت کامل و حل‌وفصل جامع مسائل را از او سلب کرده است.»

این مدرس دانشگاه‌اشاره می‌کند که «حتی کارنامه یک‌ساله عباس عراقچی در مقام وزیر خارجه دولت چهاردهم نیز نشان داده است که او نیز توانایی لازم برای پیشبرد مذاکرات پیچیده و حساس را ندارد. از این منظر، سفر پزشک‌یان بیشتر جنبه‌ای تاکتیکی و نمادین دارد و نمی‌تواند به تعهایی معادلات نظامی پیچیده برجام و فشارهای بین‌المللی را تغییر دهد.» با این حال، ساداتیان بر این نکته مانور می‌دهد که، «این سفر می‌تواند فضایی ایجاد کند که حضور دیپلمات کهنه‌کار در مراحل بعدی مذاکرات، به ویژه در تعامل مستقیم با طرف‌های غربی، اثرگذار و کارآمد باشد.» به گفته نماینده ادوار مجلس، «یجاد چنین فضای موقت در سازمان ملل ضروری است تا ایران بتواند از ابزار دیپلماسی به شکل بهینه استفاده کند و مذاکرات آتی با پشتوانه اختیارات کامل نماینده ارشد خود ادامه یابد. این رویکرد نه تنها امکان دستیابی به تمدید شش‌ماهه مکانیزم ماشه را فراهم می‌کند، بلکه شانس ایران برای رسیدن به توافقی جامع و قابل قبول در آینده را نیز تقویت می‌کند.

به عبارت دیگر، سفر پزشک‌یان باید به عنوان نقطه شروعی برای تحركات دیپلماتیک قدرتمندتر و موثرتر در مراحل بعدی تلقی شود، نه به عنوان راه‌حل نهایی.» سفیر اسبق ایران در انگلستان در عین حال هشدار می‌دهد که «اگر بازگشت قطعه‌نامه‌ها قطعی شود، تبعات آن می‌تواند بسیار سنگین و حتی فاجعه‌بار باشد و نه تنها فشارهای آمریکا و اروپا شدت خواهد گرفت، بلکه زمینه برای اقدامات بعدی علیه ایران نیز فراهم خواهد شد.»

در این میان، عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس چهارم بر این باور است: «شرایط به نقطه‌ای رسیده که دیگر بحث بر سر سناریوهای نیست؛ بلکه تاکتیک‌های دیپلماتیک و ابتکار عمل‌های لحظه‌ای می‌تواند مسیر آینده را مشخص کند.» به گفته او، «اروپا و آمریکا در حال حاضر دیگر به‌عهده‌ها و اظهارات روی کاغذ قانع



نیستند و تنها به دنبال اقدامات عملی و ملموس از سوی تهران هستند. آن‌ها خواستار شفاف شدن تکلیف فعالیت‌های هسته‌ای و آغاز گفت‌وگوهای مستقیم با آمریکا هستند و در غیر این صورت هیچ پیشنهادی را جدی نخواهند گرفت.» نماینده ادوار مجلس در همین زمینه معتقد است که «سفر پزشک‌یان به نیویورک تنها در صورتی می‌تواند نتایجی در بر داشته باشد که از سوی تهران اختیارات ویژه و کامل به او داده شود.» به باور او، همان‌طور که در گذشته شخصیت‌هایی مانند محمدجواد ظریف با اختیارات ویژه وارد میدان می‌شدند و می‌توانستند گره‌های دیپلماتیک را باز کنند، امروز نیز باید چنین اختیاراتی در اختیار رئیس‌جمهور یا نماینده ویژه او قرار گیرد تا بتواند با قدرت و پشتوانه لازم در برابر طرف‌های غربی مذاکره کند. در غیر این صورت، این سفر صرفاً جنبه نمادین خواهد داشت و دستاوردی برای کشور نخواهد داشت.

تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل در ادامه به اهمیت «دیپلماسی عمومی» اشاره می‌کند و می‌گوید که، «اگر در همین مقطع حساس اعلام شود که یک چهره برجسته و مورد قبول جهانی، نماینده ویژه رئیس‌جمهور در مذاکرات است و با مأموریت مشخص وارد عمل می‌شود، این پیام می‌تواند معادلات را تغییر دهد و دنیا را متوجه جدیت ایران در حل‌وفصل مسائل کند. او حتی معتقد است چنین اقدامی می‌تواند فضایی ایجاد کند که فرصت تعلیق یا تعویق تحریم‌ها فراهم شود و راه‌حل‌های جدیدی روی میز قرار گیرد.»

با این حال، مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی هشدار می‌دهد که «اگر این فرصت از دست برود و تحریم‌ها بازگردد، نه تنها فشارهای سیاسی و اقتصادی علیه ایران افزایش خواهد یافت، بلکه فضای بین‌المللی نیز برای اقدامات سخت‌گیرانه‌تر علیه تهران آماده خواهد شد.» ساداتیان با اشاره به مفاد فعلی هفتم منشور سازمان ملل متحد توضیح می‌دهد که «در صورت قرار گرفتن ایران ذیل این فصل، همه کشورها موظف خواهند بود که علیه تهران اقدام کنند و این می‌تواند شرایطی شبیه دوران قبل از برجام ایجاد کند که شش قطعه‌نامه الزام‌آور شورای امنیت ایران را در تنگنای شدید قرار داده بود.»

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس چهارم در این باره تأکید می‌کند که «در چنین شرایطی، حتی گروه‌ها و کشورهایی که تاکنون روابطی متوازن با تهران داشته‌اند، ممکن است تحت فشارهای بین‌المللی تغییر موضع دهند و این می‌تواند به انزوای بیشتر ایران در عرصه جهانی منجر شود.» به گفته او، «بازگشت تحریم‌ها نه تنها اقتصاد کشور را تحت فشار قرار می‌دهد، بلکه زمینه را برای اقدامات نظامی پیچیده برجام و فشارهای بین‌المللی این همان سناریویی است که مخالفان ایران در واشنگتن و تل‌آویو سال‌ها به دنبال آن بوده‌اند.»

ساداتیان در تحلیل خود تصریح می‌کند که «طرف‌های غربی شاید در کوتاه‌مدت به دنبال اقدامات نظامی مستقیم نباشند، اما با بازگرداندن تحریم‌ها و قرار دادن ایران ذیل فصل هفتم، فضای حقوقی و سیاسی لازم برای هرگونه اقدام بعدی علیه تهران را فراهم خواهند کرد.» سفیر اسبق ایران در لندن هشدار می‌دهد که «این روند می‌تواند به تدریج ایران را در معرض خطرات جدی‌تری قرار دهد؛ خطراتی که نه تنها از سوی آمریکا و اروپا بلکه از جانب بازیگران منطقه‌ای نیز ممکن است دنبال شود.» در همین راستا، این مدرس دانشگاه تأکید می‌کند که «حضور پزشک‌یان در نیویورک باید فراتر از یک حضور تشریفاتی باشد و تهران باید با دستور کار مشخص و ابتکار عمل‌های دیپلماتیک وارد میدان شود.» او اعتقاد دارد که «هرگونه تعلل یا بی‌برنامگی می‌تواند فرصت‌های باقی‌مانده را از بین ببرد و کشور را در شرایطی قرار دهد که بازسازی روابط با جهان دشوارتر از گذشته شود.»

به باور مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی، «جهان امروز در برابر ایران منتظر اقداماتی عملی و قابل سنجش است و دیگر با وعده و شعار نمی‌توان مسیر تحریم‌ها و فشارها را تغییر داد.» او می‌گوید که، «تنها در صورتی می‌توان از این مرحله عبور کرد که تهران با نگاهی واقع‌بینانه، اختیارات لازم را به مذاکره‌کنندگان بدهد، دستور کار روشن و قابل دفاعی ارائه کند و از همه ظرفیت‌های دیپلماتیک برای تغییر فضا استفاده نماید.» در پایان، دیپلمات اسبق کشورمان بار دیگر تأکید می‌کند که «فرصت باقی‌مانده بسیار محدود است و هرگونه غفلت می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری برای کشور در پی داشته باشد.» او معتقد است که «ایران در این مقطع حساس باید از هرگونه اقدام احساسی پرهیز کند و با تکیه بر تجربه‌های گذشته، راهکاری عملی و دیپلماتیک برای عبور از بحران فعلی بیابد؛ راهکاری که هم مانع بازگشت تحریم‌ها شود و هم امکان بازگشت تدریجی ایران به تعامل سازنده با جهان را فراهم آورد.»

طرف‌های غربی شاید در کوتاه‌مدت به دنبال اقدام نظامی مستقیم نباشند، اما با بازگرداندن تحریم‌ها و قرار دادن ایران ذیل فصل هفتم، فضای حقوقی و سیاسی لازم برای هرگونه اقدام بعدی علیه تهران را فراهم خواهند کرد

هرچند در ظاهر گاه‌آه اختلاف میان کشور‌های اروپایی و آمریکا سخن گفته می‌شود، اما در عمل، وقتی پای مسئله ایران در میان باشد، اجماع نهایی آنها علیه تهران شکل خواهد گرفت



صدای طبل جنگ سرد

بدیل روسی مسابقه موسیقی یوروویژن دوباره به میادین بازگشت



رامتین لطیفی
دیبر بین الملل

در اوج جنگ سرد و در حد فاصل سال های ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۰، اینتروویژن که مسابقه‌ای فرهنگی برای کشورهای بلوک شرق بود، به عنوان پاسخ اتحاد جماهیر شوروی سابق به یوروویژن به شمار می‌رفت. اینتروویژن با برگزاری در کشورهای مثل لهستان و تمرکز بر موسیقی «سوسیالیستی» که بیش از ۱۵کشور را دور هم جمع می کرد، نمادی از وحدت ایدئولوژیک به شمار می‌رفت. روسیه با احیای «اینتروویژن»، رقیب دوران جنگ سرد یوروویژن، پس از اخراج از این رقابت در سال ۲۰۲۲ به دلیل تهاجم به اوکراین، بار دیگر به صحنه فرهنگی جهان بازگشت. این رویداد که شنبه‌شب در مسکو برگزار شد، تلاشی برای نمایش «ترم‌افزاری» قدرت کرملین بود.

اینتروویژن: صحنه‌ای برای ارزش‌های سنتی
شب گذشته، تورهای ارنای زنده مسکو با ظرفیت ۱۱ هزار نفری، روی «اینتروویژن» روشن شد. برخلاف گذشته، این مسابقه با حضور ۲۳ شرکت کننده از کشورهای دوست و دشمن، از متحدان کلیدی مسکو مانند چین، هند و عربستان سعودی تا ایالات متحده، چشم‌اندازی جهانی دارد. کرملین، با تقلید از قوانین یوروویژن که پیام‌های سیاسی را ممنوع می‌کند، تأکید دارد که اینتروویژن سیاسی نیست، بلکه بستری برای ترویج «ارزش‌های فرهنگی و معنوی» است. اما انتخاب یاروسلاو درونوف، مشهور به شامان و ستارهای با ترانه‌های ملی‌گرایانه و حامی جنگ اوکراین مانند «من روس هستم» و حضور اعضای غیربی‌طرف مانند سفیر کلمبیا در هیئت داوران، حکایت دیگری را روایت می‌کند. البته اولگا لویی‌مووا، وزیر فرهنگ روسیه، ادعا می‌کند: «اینتروویژن درباره استعداد‌های انسانی است، نه تصمیمات سیاسی»، ادعایی که کارشناسان با توجه به شواهد و قرائن با دیده شک و تردید به آن می‌نگرند.

یوروویژن: ضربه‌ای به اعتبار کرملین
اخراج روسیه از یوروویژن در سال ۲۰۲۲ که سالانه ۱۶۶ میلیون بیننده دارد و در سال ۲۰۲۵ به ۲ میلیارد بازدید آنلاین یکی از پرمخاطب‌ترین رویدادهای غیرورزشی جهان بود، ضربه‌ای به اعتبار جهانی کرملین بود. میزبانی یوروویژن ۲۰۰۹ در مسکو، با هزینه ۳۰ میلیون دلاری و صحنه‌ای



مجهز به یک‌سوم کل صفحه‌های ال‌ای‌دی جهان، تلاشی برای مشروعیت‌بخشی به رژیم پوتین بود. به گفته ویتالی کازاکوف، محقق دانشگاه آرهوس، این رویداد «ثبات داخلی و حمایت از کرملین» را به نمایش گذاشت و نخبگان روسی را در کانون توجه قرار داد. حالا اینتروویژن فرصتی است تا روسیه در برابر آنچه «غرب فاسد و لیبرال» می‌خوانند، در خلال برنامه‌ای با محوریت «ارزش‌های سنتی» پیش ببرد. همچنین این مسابقه روسی، پاسخی مستقیم به حضور اوکراین در یوروویژن است که به واسطه حضور در این مسابقه، دست‌کم استقلال فرهنگی‌اش را برجسته می‌کند.

آینده اینتروویژن: پایدار یا زودگذر؟
اینتروویژن، با بودجه‌ای ۶۰۰ میلیون روبلی، معادل ۸ میلیون دلار، بخشی از تلاش کرملین برای خنثی کردن انزوای جهانی پس از تحریم‌های اوکراین است. مانند بازی‌های بریکس ۲۰۲۴، این رویداد به روس‌ها و جهان می‌گوید که «همه‌چیز عادی است» و روسیه می‌تواند برنامه‌های بین‌المللی خود را رهبری کند. اما دوام این برنامه بدون پایگاه هواداری قوی یا سازمانی متمرکز، موفقیت آن به اراده سیاسی کرملین وابسته است. البته با اعلام میزبانی عربستان برای ۲۰۲۶، کرملین امیدوار است این صحنه را حفظ کند.

جهان تقسیم‌شده یا نمایش قدرت؟

حضور دو هنرمند غربی، برندن هوارد از ایالات متحده، خواننده ارانددی که شایعه پسر مایکل جکسون بودنش را رد کرده و اسلویودان ترکولیا از صربستان، اسطوره موسیقی بالکان، در کنار گروه‌هایی مانند بونی‌ام در ۱۹۷۹، پیامی دوگانه دارد: کرملین می‌خواهد نشان دهد غرب «تفرقه» دارد و روسیه هنوز در صحنه جهانی جذاب است. سرگئی کیری‌پنکو، رئیس هیئت

برج‌های نوتر دام، ققنوس پاریس

۶ سال پس از آتش‌سوزی گسترده، ۸ میلیون بازدیدکننده آماده دیدار از این اثر تاریخی می‌شوند



که برای اولین بار از نزدیک با زنگ‌های غول‌پیکر تاریخی آن روبه رو شوند. جواهر این بازسازی، پله‌های مارپیچ دوگانه از چوب بلوط محکم است. این پله‌ها الهام‌گرفته از شاهکارهای رنسانس در قلعه شومبور است که با هوشمندی بالا، رفت و آمد را از هم جدا نگه می‌دارد و جریان بازدید را روان می‌کند. این شاهکار جهانی و بی‌سابقه، در کارگاه‌های سنتی نورماندی با ۱۰ هزار ساعت کار خستگی‌ناپذیر، ۱۲۰۰ قطعه چوب و تلاش هماهنگ ۴۵نچار جوان و پرشور برای ساخت سازه‌ای ۲۱متری که داخل برج ک بدون کوچک‌ترین آسیبی به دیوارهای تاریخی، ساخته شد. صعود نفسگیر با بالا رفتن از ۴۲۴ پله و رسیدن به ارتفاع ۶۹متری، منظره‌ای خیره‌کننده و فراموش‌نشدنی از پاریس را به گردشگران وعده می‌دهد، جایی که از رود سن و برج ایفل تا قلب تپنده شهر در چشم‌اندازش پیداست. پادشاه‌های دیگر برای حضار، زنگ‌های اصلی «مانوتل» و «ماری» است که فقط در مناسبت‌های بزرگ و باشکوه نواخته می‌شود و صدایش هنوز لرزه بر اندام پاریسی‌ها می‌اندازد.

برج‌های بازسازی‌شده نوتردام، نماد جلودان پاریس که به شهر عشاقی شهره است، روز گذشته برای عموم گشوده شد. ۶ سال پس از آتش‌سوزی مهیب آوریل ۲۰۱۹ که قلب این بنای قرن دوازدهمی را سوزاند، بیش از ۸ میلیون بازدیدکننده از کلیسا دیدن خواهند کرد. اما نوتل مکنون، رئیس‌جمهور فرانسه که پیش‌تر با حضور رهبران جهان این بنا را افتتاح کرده بود، دیروز با صعود به بام این بنا، افتتاح عمومی آن را جشن گرفت و آینده‌ای درخشان برای این کلیسا در عرصه گردشگری متصور شد. این بازگشایی نه تنها پیروزی مهندسی است، بلکه نمادی از روحیه پاریس در برابر فجایی مانند این آتش‌سوزی را نمایان می‌کند.

راهی به زنگ‌های افسانه‌ای: شاهکار پله‌های دوگانه

بازدید از برج‌ها پس از آتش تعطیل و برای ماه‌ها مرمت شد. حالا این بنا با طراحی شده تا ایمن‌تر و جذاب‌تر باشد. حالا گردشگران می‌توانند با حضور در برج‌های نوتردام، سفری هیجان‌انگیز ۴۵ دقیقه‌ای از برج جنوبی آغاز کنند و به برج زنگ‌ها برسند، جایی

کیوسک



لوموند فرانسه، تیترا اصلی خود را به تغییر رویکرد فرانسه نسبت به اسرائیل و به رسمیت شناختن کشور مستقل فلسطین اختصاص داد و ضمن تحسین این رویکرد، آن را کند ارزیابی کرد.

گلوب اند میل کانادا با تیتیر «شیوع» و عکسی از نقشه انتقال بیماری در کانادا، به شیوع سریع و خطرناک سرخک در این کشور پرداخت، وضعیتی که چالش جدیدی برای ساکنان کانادا به وجود آورده است.

ینگه دنیا

زمین می‌سوزد، خودروها می‌تازند

۱/۵ میلیارد خودرو، ۴/۱ میلیارد تن دی‌اکسید کربن در سال ۲۰۲۴ تولید کردند

صدر این ۱۵کشور قرار دارد. نکته در خور توجه این است که مطالعات و بررسی برنامه‌های اقتصادی این ۱۵کشور تا سال ۲۰۴۰ نشان می‌دهد که به‌رغم این هشدارها و مخاطراتی که ادامه این رفتار برای حیات روی زمین به دنبال دارد، هدف‌گذاری تمامی کشورها مبنی بر افزایش میزان مصرف سوخت‌های فسیلی اعم از نفت، گاز و زغال‌سنگ است.

تلاش‌های بایدن برای نجات زمین

جو بایدن در ابتدای ریاست‌جمهوری خود وعده داد طرحی را به تصویب برساند که به دنبال آن زیرساخت‌های فرسوده آمریکا را بازسازی کند. در این طرح ۱۷۴ میلیارد دلار به تولید ناوگان حمل‌ونقل عمومی برقی و سبز اختصاص یافته بود. همچنین قرار بود که دولت ۵۷۰ هزار جایگاه جهت شارژ خودروهای برقی و ناوگان حمل‌ونقل عمومی سبز در سراسر کشور ایجاد کند. به علاوه بر اساس این طرح ۱۲۵ میلیارد دلار به ساخت پل‌ها و جاده‌های جدید اختصاص پیدا می‌کرد. همچنین ۹۰ میلیارد دلار به تعمیر جاده‌ها و پل‌های فعلی و ۲۲ میلیارد دلار نیز به افزایش ایمنی جاده‌ها تعلق می‌گرفت. سهم خطوط ریلی از این طرح ۸۵، سهم فرودگاه‌ها ۲۸ و سهم اتوبان‌های جدید ۱۱۰ میلیارد دلار بود. به علاوه ۲۰ میلیارد دلار نیز به منظور بازسازی لوله‌کشی‌های آب و فاضلاب قدیمی و ۶۰ میلیارد دلار به منظور نوسازی و ایجاد خطوط لوله‌کشی مدرن آب بودجه در نظر گرفته شده بود. تمامی مواردی که گفته شد تأثیر مستقیم و مهمی در کاهش آلودگی هوا و جلوگیری از گرم‌تر شدن زمین داشتند. طرح بازسازی زیرساخت‌های بایدن در مسیر تصویب با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو شد. از این‌رو بایدن طرح مجزایی برای جایگزینی و گسترش سوخت سبز و انرژی‌های پاک و تجدیدپذیر تا پایان سال ۲۰۳۰ ارائه داد که به دنبال اجرای این طرح، سهم آلاینددها در این کشور تا ۸۰ درصد کاهش می‌یافت. در این طرح برای صنایع و افرادی که همچنان سوخت‌های فسیلی را می‌سوزانند و آلاینددها را وارد هوا می‌کنند، جریمه‌ها و مالیات‌های سنگینی در نظر گرفته شده بود. این طرح هم به موافقی روبه‌رو شد. به همین دلیل، بایدن طرح جدیدی را با عنوان نقشه جایگزین مطرح کرده که در آن ۳۲۰ میلیارد دلار بخشودگی و معافیت‌های مالیاتی برای افرادی در نظر گرفته شد که تولیدکننده یا مصرف‌کننده انرژی‌های بادی، خورشیدی، هسته‌ای و تجدیدپذیر به جای

جهان در حال گرم‌تر شدن است. این خبر کوتاه، شمارش معکوس برای تغییرات مهیب و ترسناکی را آغاز کرده که نقطه پایان آن نابودی محل زندگی بیش از ۸.۱ میلیارد انسان است. متهم اصلی گرم شدن زمین در کشورها، به ویژه کشورهای صنعتی است. آمریکا در میان کشورهای جهان، بیشترین سهم را در گرم‌تر کردن زمین و ایجاد این شرایط خطرناک دارد. امروز پس از انسان‌هایی که پرجمعیت‌ترین گونه‌های غیرزنده حاضر روی زمین خودروها هستند. آمارها حاکی از آن است که چرخ‌های ۱.۵ میلیارد خودرو روی زمین می‌چرخد و این یعنی به ازای هر ۵.۴ نفر یک خودرو وجود دارد. بدیهی است که پرآلودگی خودروها در اقصی نقاط دنیا یگسان نیست. چین با ۳۳۰ میلیون خودرو بیشترین تعداد خودرو در میان کشورهای جهان را در مرزهای خود جای داده و آمریکا نیز با ۲۸۳ میلیون خودرو در رده دوم قرار دارد. گفتنی است این آمار به طور سالانه در حال افزایش است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال ۲۰۲۵ هر خانواده آمریکایی حداقل یک خودروی شخصی داشته باشد. سوخت اصلی مصرفی خودروها در آمریکا بنزین است. خودروها به‌طور روزانه ۳۴۸ میلیون گالن معادل با ۱۳۱۶ میلیارد لیتر بنزین در سراسر آمریکا می‌سوزانند. مرور این اعداد نشان می‌دهد بی‌دلیل نیست که هر روز ۲۳ درصد از تولیدات نفتی جهان در آمریکا مصرف می‌شود. مسئله آلودگی هوا یکی از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسائلی است که این روزها گریبان تمامی کشورهای جهان را گرفته است. آمریکا نیز از این قضیه مستثنا نیست و اکنون در رده بیست و دومین کشور جهان از نظر آلودگی هوا قرار دارد. بخش عمده‌ای از آلودگی هوا در آمریکا و نیز سایر کشورها به دلیل آلاینده‌های خارج‌شده از اگزوز خودروها اعم از شخصی و خودروهای ناوگان حمل‌ونقل عمومی است.

اخطار به ۱۵کشور آلاینده

یک پژوهش علمی معتبر که در اوت ۲۰۲۴ انتشار یافت، به ۱۵کشوری که بیشترین میزان سوخت‌های فسیلی را می‌سوزانند اخطار داد به سرعت مصرف خود را کاهش دهند، چراکه با فشاری که این کشورها به جهان تحمیل می‌کنند، تا سال ۲۰۴۰ شاهد بروز خشکسالی‌های بی‌رویه، موج‌های شدیدتر گرما، آب شدن یخ‌های قطبی و بالا آمدن سطح آب دریاها، طوفان‌های سهمگین و در نهایت از بین رفتن اکوسیستم و زیستگاه میلیاردها انسان، حیوان و گونه‌های گیاهی خواهیم بود. آمریکا در

ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



نولان، اتحادیه کارگردانان را فتح کرد!

کریستوفر نولان، خالق شاهکارهایی چون «میان ستارهای»، به ریاست اتحادیه کارگردانان آمریکا رسید. این کارگردان بریتانیایی برنده اسکار، جانشین لسللی لینکا کلاتر شد که از سال ۲۰۲۱ دو دوره رهبری را بر عهده داشت. نولان حالا مذاکرات داغ با غول‌های هالیوود را هدایت می‌کند، تغییری که چشم‌ها را به آینده صنعت فیلم دوخته است. نولان با هیجان می‌گوید: «انتخاب به عنوان رئیس اتحادیه کارگردانان آمریکا، بزرگ‌ترین افتخار حرفه‌ای‌ام است. صنعت مادرگیر تحولات عظیمی است و از اعضا برای سپردن این مسئولیت سپاسگزارم. از رئیس پیشین برای هدایت چهار سال گذشته تشکر می‌کنم. بی‌صبرانه منتظر همکاری با او و هیأت مدیره جدیدم تا حمایت هنری و اقتصادی بیشتری از اعضا کنیم.» در چهار سال اخیر، اتحادیه بر ایمنی صحنه‌های فیلمبرداری تمرکز کرده؛ از الزام حضور ناظر ایمنی تا افزایش اعتبار مالیاتی کالیفرنیا. دور تازه مذاکرات با اتحادیه تهیه‌کنندگان فیلم و تلویزیون (آمتی‌پی‌تی‌پی) اوایل سال آینده کلید می‌خورد و حالا نولان در خط مقدم است. این فیلمساز افسانه‌ای، زائر ابرقهرمانی را با «بتمن آغاز می‌کند» و «شوالیه تاریکی» زیر و رو با آثاری پر فروش چون «تلقین»، «تنت» و «دانکرک» گیشه‌ها را تسخیر کرد و برای «وین‌پایمر» دو اسکار برد و حالا فیلمبرداری حماسه پرستاره «اودیسه» را به پایان رسانده است.

یورویژن





قطب‌الدین صادقی:

انتصاب شرط عمل نیست، اختیار لازم است

برای واکاوی این انتصاب و چشم‌انداز پیش‌روی تئاتر شهر، از قطب‌الدین صادقی، مدرس، پژوهشگر، نویسنده و کارگردان برجسته تئاتر ایران درخصوص این انتصاب و آینده تئاتر شهر پرسیدیم. صادقی در ابتدا با تأکید بر شایستگی کوروش سلیمانی به عنوان هنرمندی با کارنامه‌ای مهم و درخور، تأکید کرد: «اما مدیریت در چنین سطحی به دو عامل حیاتی نیاز دارد.

اولی بودجه و دیگری آزادی عمل. اگر وزارتخانه دست و پای او را در پست گرم دو بگنژد، نمی‌تواند کار کند. اما چنانچه به او پول و اختیارات بدهد، قطعاً مدیر بسیار خوبی خواهد بود، چون همه ظرفیت‌هایش را دارد. اما اگر ندهند، تمام استعدادش از بین می‌رود و نمی‌تواند کارایی خودش را نشان بدهد. فقط انتصاب شرط عمل نیست؛ بودجه و اختیارات مهم‌ترین چیزند.»

منگنه اوامر بالادستی
جریان‌های ضدفرهنگی
صادقی همچنین نسبت به فشارهای بیرونی هشدار داد: «مدیر نباید در منگنه کمبود امکانات و مضیقۀ مالی له شود. قرار نیست توسط جریان‌های ضدفرهنگی و ضد هنری، اوامر بالادستی به او دیکته گردد. اگر چنین شود، حتی بهترین مدیر هم به جای جریان‌سازی، به مهره‌ای بی‌تأثیر در صفحه شطرنج اداری بدل خواهد شد. پس مهم‌تر از همه چیز آزادی عمل است.»

تئاتر حرفه‌ای و ایرانی باید جاری شود

او سپس به مشاوره‌ای که سلیمانی از وی گرفته، اشاره کرد و گفت: «وقتی دو چیز خیلی مهم است که بقیه انجام ندادند و امیدوارم تو انجام بدهی. اول اینکه تئاتر حرفه‌ای را جاری کن؛ تئاتر شهر جای موتور خلق ایران است، جای آبادانی است. دوم، اینکه به تئاتر ایرانی بها بده. تئاتر شهر نباید پر شود از آثار دست دوم و سوم خارجی یا نمایشنامه‌های ۴۰، ۵۰، ۶۰ سال پیش اروپا و آمریکا. خواست ما آثار ایرانی و گروه‌های حرفه‌ای است. اگر این دو کار را انجام بدهد، قطعاً تئاتر شهر دوباره به جایگاه واقعی‌اش برمی‌گردد.» صادقی در پایان گفت: «امیدوارم با حضور کوروش سلیمانی، شاهد بازگشت رونق دوباره تئاتر ایران باشیم. او ظرفیتش را دارد، اما شرطش همان دو چیز است که بارها گفتم: بودجه و آزادی عمل.»

مروری بر آنچه بر معاونت و تئاتر شهر گذشت

در همین مسیر پرنوسان، تئاتر شهر به عنوان مهم‌ترین نهاد نمایشی کشور نیز با مشکلات مشابه دست به گریبان بود. پس از کناره‌گیری جواد طاهری، مدیرمجموعه تئاتر شهر در دولت سیزدهم، حمیدنبیلی هم‌زمان عهده‌دار مدیریت کل و سرپرست تئاتر شهر شد، اما با کنار رفتن او، اتایک نادری سرپرستی موقت مرکز هنرهای نمایشی و حسن جودکی به سرپرستی تئاتر شهر گمارده شد. در این دوران در تئاتر شهر به جای معرفی مدیر ثابت، بارها افراد مختلف به صورت سرپرست بر مسند مدیریت نشستند. ویگردی که رسانه‌ها از آن با تعبیر «کلاف سردرگم» یاد کردند. این روند در پاییز و زمستان ۱۴۰۳ و سپس سال ۱۴۰۴ نیز ادامه یافت. تئاتر شهر

برای دوره‌هایی حتی بدون مدیر رسمی باقی ماند و با سرپرستی‌های کوتاه‌مدت اداره شد. این وضعیت، نه تنها نشانه‌ای از بلاتکلیفی ساختاری در سیاست‌گذاری فرهنگ است، بلکه به فرسایش بدنه اجرایی و بی‌اعتمادی هنرمندان و مخاطبان نیز دامن زد. سرانجام پس از ماه‌ها انتظار، کوروش سلیمانی به عنوان مدیر تئاتر شهر معرفی شد. انتصاب او به دلیل آنکه از بدنه تئاتر و میان هنرمندان شناخته شده است، واکنش‌های مثبتی را در جامعه تئاتری برانگیخت. با این حال پرسش اصلی همچنان باقی است: آیا این انتصاب آغازگر دوره‌ای پایدار خواهد بود، یا او نیز همچون پیشینیان قربانی همان چرخه فرسایندۀ تغییرات خواهد شد؟

آیا کوروش سلیمانی می‌تواند چرخه بی‌ثباتی را بشکند؟

چشم‌انداز این تحولات نشان از ریشه دواندن

چند مسئله بنیادین در ساختار مدیریتی فرهنگ و هنر کشور دارد. نخست، تسلط الگوی سرپرستی بر نهادهای مهم فرهنگی است. الگویی که عملاً امکان هر گونه برنامه‌ریزی بلندمدت را از بین می‌برد و مدیران را در موقعیتی موقت و شکننده قرار می‌دهد. دوم، سیاسی شدن انتصابات است. بسیاری از تغییرات نه براساس کارنامه تخصصی مدیران، بلکه در پی جابه‌جایی‌های بالادستی و ملاحظات تیمی و سیاسی شکل گرفته و همین امر به تضعیف سرمایه انسانی در حوزه فرهنگ انجامیده است. در کنار این دو

آرمان طیران:مدیریت تئاترقربانی جریان بالادستی

کاش باندبازی‌ها تمام شود

آرمان طیران، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، انتخاب مدیریت تئاتر شهر را از بدنه تئاتر، جنبه مثبت این انتقالی می‌داند، که درد و دغدغه هنرمندان عرصه را بهتر از دیگران درک می‌کند. به گفته طیرانی اما مشکل اصلی اسامدت زمان این حضور هاست: «متأسفانه مدت حضور مدیران در این جایگاه به قدری کوتاه است که تا برنامه‌ها بخواند به ثمر برسد، دوره مدیریت به پایان می‌رسد، یا با تغییرات بالادستی آنها هم کنار زده می‌شوند. در نتیجه، همه چیز باید دوباره از نو آغاز شود. پرستی این است که تا کی باید این روند ادامه یابد؟ تا کی قرار است با این رفت‌وآمدهای پیاپی همواره در نقطه آغاز باقی بمانیم؟» طیران با اشاره به این سیکل پرخطر افزود: «متأسفانه این جابه‌جایی‌ها اغلب برای رضایت بالادستی‌ها اتفاق می‌افتد. در حالی که برخی از مدیران گذشته نیز افراد خوشنام، محترم و فعال در حوزه تئاتر بودند. مشکل اینجاست که آیا ابزار لازم برای مدیریت در اختیار آنان قرار گرفته‌است؟ آیا زمان کافی داده شده‌است؟ واقعیت این است که سرعت این تغییرات به قدری بالاست که عملاً فرآیند رسیدن به نتایج مثبت طولانی می‌شود و در نهایت تنها به حداقل رضایت دست پیدا می‌کنیم.»



صحنه‌ای از نمایش انتصاب‌های بی‌پایان مدیران و سرپرستان

تئاتر شهر و چند سال تنهایی

مدیران نمایش در شهر بی‌قرار بر صندلی‌های لرزان می‌نشینند

سمیه خاتونی
هفت صبح

اگر کارنامه دولت چهاردهم را از نخست‌تین روزهای آغاز به کارش مرور کنیم، یک الگوی پر تکرار به روشنی نمایان می‌شود: تغییرات سریع مدیریتی و جایگزینی مدیران با سرپرست‌ها. استعفای زود هنگام عبدالحسین کلانتری از معاونت فرهنگی و سپردن این مسئولیت به سیدمحسن جوادی که پس از چندماه از سرپرستی به معاونت تثبیت شد، تنها نمونه‌ای از این روند است. روندی که بیش از هر چیز به دوره‌های آزمایشی کوتاه‌مدت شباهت دارد. تجربه نشان داده است که این دوره‌های مقطعی به ویژه در حوزه فرهنگ و هنر معمولاً به نتیجه مطلوبی ختم نمی‌شوند. این بی‌ثباتی در سطح معاونت هنری نیز خود را نشان داد. نادره رضایی در دوره کوتاه مدیریتش نه تنها نتوانست از این چرخه مستثنا بماند، بلکه خود نیز در نهایت قربانی آن شد. تلاش‌های او برای انتصاب سعید اسدی، پژوهشگر و مدیر با سابقه تئاتر به مدیریت مرکز هنرهای نمایشی بی‌ثمر ماند و سرانجام رضا مردانی با حکم رسمی، مدیریت مرکز هنرهای نمایشی را عهده‌دار شد. چندماه بعد، درست زمانی که اسدی به عنوان مشاور عالی وارد مجموعه شد، خود رضایی از سمت معاونت کنار گذاشته شد.

مسئله، بلاتکلیفی‌های پیاپی و جابه‌جایی‌های مکرر باعث فرسایش بدنه اداری و شکل‌گیری نوعی بی‌اعتمادی در میان هنرمندان و فعالان این حوزه شده است. در چنین فضایی، امید به مدیرانی از دل بدنه تئاتر اهمیت می‌یابد؛ کسانی که ارتباط مستقیم با جامعه هنری دارند و می‌توانند تا حدی اعتماد از دست رفته را بازگردانند. انتصاب کوروش سلیمانی از این منظر به عنوان فرصتی تازه ارز یابی می‌شود، اما موفقیت او مشروط به فراهم بودن اختیارات، بودجه و حمایت ساختاری از سوی دولت است.

تاریخ توسعه تئاتر شهر، در ثبات و چشم‌انداز مدیریتی

تجربه تاریخی نشان داده است که دوره‌های موفق مدیریت تئاتر شهر در زمان‌هایی رقم خورده که ثبات مدیریتی وجود داشته و مدیران با چشم‌انداز بلندمدت، مسیر تازهای برای توسعه این مجموعه تعریف کرده‌اند. دوره حمید جعفری یکی از طولانی‌ترین مدیریت‌های تئاتر شهر بود. او از سال ۱۳۶۵ تاابان یا آذر ۱۳۷۶ ریاست این مجموعه را برعهده داشت. این دوره به واسطه استمرار و ثبات مدیریتی، به عنوان نقطه‌ای مهم در

رضا آشفته:مدیر چندماهه ضربه‌بزرگ به تئاتر است

رضا آشفته، منتقد و پژوهشگر تئاتر، در توضیح واکنش به انتخاب مدیر برای مجموعه تئاتر شهر، از وضعیت کنونی این مجموعه و ضرورت ثبات مدیریتی سخن گفت و تأکید کرد: «در مجموعه تئاتر شهر باید مدیرانی با ثبات و برنامه‌مند حضور داشته باشند. زیر جامعه هنری و به ویژه هنرمندان تئاتر باید بایندند با چه شرایطی روبرو هستند و براساس همین شناخت، برنامه‌های خود را تنظیم کنند. بنابراین نه تنها کوروش سلیمانی، بلکه هر مدیری که قرار است در این جایگاه قرار بگیرد باید برای سال‌ها انتخاب شود؛ فردی کارآمد، برنامه‌محور و برخوردار از پشتوانه اجرایی.» او درباره جایگاه ویژه تئاتر شهر توضیح داد: «تئاتر شهر قلب تئاتر ایران است؛ باوجود اینکه سنگلج پیشینه بیشتری دارد، اما تئاتر شهر از دوره‌ای به بعد با تعدد سالن‌ها و حضور چهره‌های حرفه‌ای، به مرکز اصلی تئاتر کشور بدل شد. اینجا نه می‌توان بی‌برنامه بود و نه هر کسی را بر مسند مدیریت نشاند. به ویژه نمی‌توان مدیری را تنها برای چندماه یا یک سال منصوب کرد و سپس کنار گذاشت. این تغییرات ضربه بزرگی به تئاتر وارد می‌کند.»

بلاتکلیفی برنامه‌ها و شکست دل هنرمندان
او در ادامه درباره پیامدهای تکرار تغییر مدیران گفت: «وقتی مدیری می‌آید و پس از یک یا دو سال کنار می‌رود، مدیر بعدی با برنامه‌ای متفاوت جای او را می‌گیرد، این تداخل باعث می‌شود توافق‌ها و برنامه‌های پیشین اجرایی نشود و دل بسیاری از هنرمندان شکسته شود. افزون بر این، هنرمندان نمی‌دانند باید با چه کسی طرف شوند یا چگونه برنامه‌ریزی کنند. این بلاتکلیفی، هم به زبان هنرمندان و هم به زبان کل فضای فرهنگی کشور است.» آشفته گفت: «خوشبختانه آقای سلیمانی از بدنه تئاتر است؛



رحمت‌امینی:

حیات تئاتر شهر اولویت است

در ادامه برای بررسی این انتصاب و کارنامه مدیریت در تئاتر شهر، به سراغ رحمت امینی، مدرس، پژوهشگر و نویسنده تئاتر رفتیم که در دوره‌های متوالی در رودادهای مهم مرکز هنرهای نمایشی نقشی محوری و حمایتی داشته است. امینی در ابتدای گفت‌وگو با بیان اینکه «او پیشینه دانشگاهی در تئاتر و تجربه کار در فضای غیر دانشگاهی دارد و همواره دستی بر آتش داشته و بارها خودش در همین آتش سوخته است»، با اشاره به شرایط تئاتر شهر افزود: «من چهار دهه است در فضای تئاتر تنفس و کار می‌کنم. به رغم همه بی‌مهری‌ها که معمولاً هم دولتی و حکمرانی است، تئاتر مسیر خودش را ادامه داده. اکنون مدیریت مهم‌ترین مکان تئاتری ایران را مشخص شده است. مکانی که شاید بدون اغراق بتوان گفت مهم‌ترین مرکز تئاتر در خاورمیانه است. این ساختمان حتی جنبه سمبولیک دارد، مثل برج آزادی. نقطه نقل تئاتر ایران است. بچه‌های تئاتر اینجا را محور نمایش ایران می‌دانند. اما واقعیت این است که این ساختمان کهنسال در سال‌های گذشته بیشتر مورد استفاده بوده تا اینکه از آن محافظت و مراقبت شود. بنابر این قبل از هر برنامه‌ریزی برای اجرا، از مشکلات اصلی این است که باید به این ساختمان حیات دوباره ببخشند.»

دو دهه بیشتر

وقت برای تئاتر شهر نمانده

امینی در ادامه تأکید کرد: «از اطراف بنا که هنوز بلاتکلیف است تا سیستم‌های داخلی، همه نیازمند رسیدگی ویژه‌اند. دولت هم متأسفانه هیچ‌وقت مابه‌رای چنین ساختمانی را در مرکز شهر نساخته است. این بنا حتی با بهترین مراقبت‌ها، قاعدتاً تا دو سه دهه دیگر عمر خواهد کرد و باید به موزه ملی تبدیل شود. بنابر این از همین حالا باید به فکر جایگزین بود. یادم هست در دولت قبلی وعده دادند که در تقاطع بلوار کشاورز و خیابان حجاب یک مجموعه بزرگ تئاتری ساخته می‌شود. زمین آن هم وجود دارد، ولی مثل بسیاری از وعده‌های دولتی، پیگیری نشد.» او سپس به مشکلات سخت‌افزاری اشاره کرد و گفت: «در دو عرصه باید جدی کار شود. یکی سخت‌افزاری، یعنی سالن‌ها، امکانات فنی، پروژکتورها، سیستم‌های بردتی و گرمایشی و حتی سیستم‌های بهداشتی. همه دیده‌اند که بعضی از اینها معيوب يا خراب است. دوم، همکاران و پرسنل آنجا، بارها دیده‌ایم که رضایتی که باید داشته باشند، وجود ندارد. وقتی پرسنل با دل خوش کار نکنند، نمی‌توانند در هنرمندان خدمات بدهند. یکی از مشکلات هم این است که نیروها در تئاتر شهر مدام تغییر می‌کنند. طرف نمی‌داند فردا هست یا نیست؛ همین بی‌ثباتی کار را سخت‌تر می‌کند.»

مرکز ثقل تئاتر

هر روز یک مدیر، هر روز طرحی نو

امینی به مسائل مالی تئاتر شهر نیز اشاره کرد و گفت: «تا جایی که من می‌دانم، تئاتر شهر هویت مستقلی دارد، اما مدیرش نمی‌تواند از دستاوردهای مالی آنجا مستقیم سود برد. پول باید از چرخه‌های بگذرد تا به مجموعه برگردد. این خودش یکی از مسائلی است که باید اصلاح شود.» او در ادامه یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های مدیریت تئاتر شهر را چنین توضیح داد: «همیشه صحبت بوده که این مجموعه باید مرکز ثقل تئاتر کشور باشد، جایی برای اجراهای درجه یک. چه در سالن اصلی، چه چارسو و چه دیگر سالن‌ها. بارها درباره تعریف کار کرد که هر مدیری که می‌آید، باید نیاز به ثبات دارد. هر مدیری که می‌آید، باید دست کم هشت تا ده سال یا لاقلاً چهار سال باقی بماند تا بتواند برنامه‌ایش را اجرا کند. متأسفانه ما گرفتار تغییرات مداوم هستیم. معاون هنری که عوض می‌شود، مدیر کلش را هم تغییر می‌دهد و مدیر کل هم مدیر تئاتر شهر را، این بلای بزرگی است.»

